

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال هشتم، شماره دوم (پیاپی ۲۸)، تابستان ۱۳۹۸

شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X-۲۵۸۸

<http://serd.khu.ac.ir>

صفحات ۱۸۲-۱۵۷

سیاست تمرکزگرایی و ناپایداری نظام سکونتگاهی در پیرامون کلان‌شهر تهران

مصطفی طالشی*؛ دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۱/۲۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۵/۱۱

چکیده

شهرگرایی شتابان و تمرکز بیش از حد جمعیت و فعالیت در شهرهای بزرگ کشورهای جنوب، موجبات تحولات شگرفی در نظام سکونتگاهی پیرامون آنها را باعث شده است. تجارب نظام برنامه ریزی کشور در هفت دهه اخیر حکایت‌گر آن است که سیاست تمرکزگرایی پیدا و پنهان در تمامی برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور و به ویژه در ناحیه کلان‌شهری تهران موجبات آهنگ سریع تحولات نظام کاربری اراضی را در پی داشته که از جمله پیامدهای آن از هم گسیختگی مکانی - فضایی نظام سکونتگاهی است. نتایج این پژوهش با رویکرد کاربردی به منظور سنجش سیاست تمرکزگرایی از طریق روش شناسی توصیفی - تحلیلی تحولات نظام کاربردی اراضی در ناحیه کلان‌شهر تهران، نشان می‌دهد که اعمال سیاست‌های تمرکزگرایی در دوره پیش از انقلاب و بعد از آن، تحول نظام کاربری اراضی از پهنه‌های کشاورزی را به پهنه‌های نیمه صنعتی، خدماتی، تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به سکونتگاه شهری کوچک و در نهایت ناپایداری توسعه در سکونتگاه‌های روستایی بوده است. از سوی دیگر، با بروز محدودیت‌های دیگر این سیاست در توزیع متوازن جمعیت - فعالیت و ناتوانی عملکردی کلان‌شهر تهران در ناحیه پیرامونی، شاهد انواع ناهنجاری‌های کالبدی - فضایی همچون توسعه بی‌رویه فیزیکی شهر تهران، الحاق شهری، خزش و سکونتگاه‌های غیررسمی بوده‌ایم که پایداری نظام سکونتگاهی منطقه کلان‌شهری تهران را با مخاطرات جدی روبرو ساخته است. در نهایت با بهره‌گیری از اصول برنامه‌ریزی فضایی و پیروی از سیاست‌های تمرکززدایی در چارچوب رویکرد بویس ساختاری - کارکردی و پیوند فضایی - عملکردی روستا - شهری پایداری نظام سکونتگاهی در مجموعه کلان‌شهر تهران قابل دستیابی است.

واژگان کلیدی: تمرکزگرایی، ناپایداری فضایی، پایش کاربری اراضی، سکونتگاه‌های پیرامونی، کلان‌شهر تهران.

(۱) مقدمه

شهرگرایی فزاینده و تمرکز بیش از حد جمعیت و فعالیت عمدتاً در شهرهای بزرگ به ویژه پایتخت های ملی کشورهای در حال توسعه باعث تحولات شگرفی در نظام سکونتگاهی پیرامون آنها گردیده است. در سال ۱۹۵۰ فقط یک سوم جمعیت دنیا در مناطق شهری زندگی می کردند در حالی که تداوم شهرنشینی تا سال ۲۰۱۱ منجر به تمرکز بیش از نصف جمعیت جهان (۵۲ درصد) در شهرها شد. در واقع میزان جمعیت شهرنشین از ۷۴۰ میلیون نفر به ۳/۶۳ میلیارد نفر افزایش یافت. از این میزان افزایش جمعیت شهرنشین ۲/۳۷ میلیارد نفر (۸۲ درصد) آن در کشورهای کمتر توسعه یافته و ۵۲۰ میلیون نفر (۱۸ درصد) در کشورهای بیشتر توسعه یافته اتفاق افتاده است. بنابر پیش بینی های انجام گرفته تا سال ۲۰۵۰ جمعیت شهرهای جهان به ۶/۲۵ میلیارد نفر افزایش خواهد یافت و شهرهای کشورهای در حال توسعه با جمعیتی ۵/۱۲ میلیارد نفر در حدود ۸۲ درصد جمعیت شهری جهان را به خود اختصاص می دهند (United Nations, 2012: 5). این پدیده که ابتدا در کشورهای توسعه یافته همگام با توسعه صنعتی و انتقال نیروی مازاد بخش کشاورزی به بخش صنعتی شهرها آغاز گردید بعد از جنگ جهانی دوم در کشورهای در حال توسعه بصورت توسعه ای برونزا و بدنبال مهاجرت های شدید روستا - شهری، بروز تحولات فضایی و گسترش شدید فضایی شهرها و تداوم آن در سال های اخیر شکل گیری و ظهور شهرهای میلیونی و کلان شهرها را بدنبال داشته است (Chon, 2007: 9; Chen, 2006: 99).

شهرهای بزرگ و بویژه کلان شهرها به مثابه حوزه عملکردی خود در اقتصاد محلی و منطقه ای نقش بسیار فزاینده ای را در توسعه اقتصاد ملی بر عهده دارند (Esban, 2007: 448; Cohen, 1992: 2). بعبارت روشن، کلان شهرها همواره به لحاظ الگوی اثربخشی متفاوت، ساختار و سازمان فضایی، نظام سلسله مراتب شهرها را در شبکه سکونتگاهی (مقیاس ملی، منطقه ای و محلی) تحت تأثیر قرار می دهند. امروزه گرایش ها و روندهای کلان توسعه در بستر جهانی شدن اقتصاد و توسعه فناوری های نوین نیز بنا به ماهیت خود، سیاست گذران و برنامه ریزان را به سمت گسترش فضای کلان شهری تشویق می نمایند و البته سیاست تمرکز گرایی نیز در این رقابت توسعه ملی، منجر به بارگذاری امکانات و ظرفیت های اقتصادی و اجتماعی بیشتر در مناطق کلان شهری کشورها شده است (Kunzman, 1998: 37).

با وجود نقش و جایگاه کلان شهرها در توسعه ملی، روند فزاینده کلان شهری شدن در غالب کشورهای در حال توسعه مسائل و مشکلات بسیاری را بدنبال داشته و پایداری نظام سکونتگاهی و نهایتاً توسعه ملی را با چالش های بسیاری روبرو ساخته است. پراکنده رویی و تغییر مکان فعالیت و جمعیت از شهر مرکزی به طرف خارج شهر و پراکنش در نواحی پیرامون از مهم ترین چالش های پایدار مناطق کلان شهری بشمار می رود (Isidoro, 2007: 85; Bourn, 1999: 2). در کشورهای در حال توسعه رشد و

گسترش فضایی کلان شهرها همواره با ظهور مسائل مختلف شهری همراه بوده و به بروز انواع مشکلات زیست محیطی و کاهش کیفیت زندگی زیستگاههای انسانی (Simon, 2004: 85, Tomas et al, 2008: 125) و رشد سریع و فاقد برنامه ریزی سکونتگاههای با درآمد پایین (سکونتگاههای غیر رسمی) در حاشیه کلان شهرها انجامیده است که با حومه نشینی در کشورهای توسعه یافته کاملاً متفاوت بوده و تداوم آن شرایط موجود را در آینده ای نه چندان دور وخیم تر خواهد نمود (Cohen, 2006: 2).

در شناخت و پایش تحولات نظام سکونتگاهی در منطقه کلان شهری تهران، ابتدا فرایند شکل گیری، الگوی فضایی، عوامل بنیادی در سطح کلان و خرد مورد توجه و سپس راهکارهای برون رفت از شرایط ناپایدار فضایی مورد ارزیابی قرار می گیرد. زیرا این موضوع اهمیت حیاتی در سازمان دهی نظام سکونتگاهی در دستیابی به توسعه پایدار منطقه ای و ملی است. بنابراین پژوهش حاضر بر آن است که ضمن شناخت بنیادها و ریشه های تمرکز در تهران، فرایند و الگوی فضایی نظام سکونتگاهی در این منطقه کلان شهری را با استفاده از سری زمانی تصاویر ماهواره ای لندست سنجنده TM مربوط به سال های ۱۹۸۸، ۱۹۹۸ و ۲۰۰۹ مورد بررسی قرار داده و راهکارهای برون رفت از شرایط ناپایدار موجود به منظور نقش آفرینی عملکردی این سکونتگاهها در پایداری نظام منطقه ای جستجو شود. بدین ترتیب با شناخت و تحلیل بنیادها و ریشه های تمرکز در تهران و راهکارهای متناسب، الگوی پایدار فضایی برای سایر سکونتگاههای شهری پر تراکم در سایر نواحی جغرافیایی مشابه قابل دستیابی است.

۲) مبانی نظری

یکی از خصیصه های برجسته نظام شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه، تمرکز بیش از حد فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جمعیت در بزرگترین شهرهای کشورها (نخست شهرها) است. این کلان شهرها نه تنها باعث جذب بخش عمده ای از پتانسیل های توسعه ای این کشورها شده است، بلکه خود این نخست شهرها با مسائل و مشکلات عدیده ای مواجه شده اند (زبردست، ۱۳۸۶: ۳۰). بر اساس نتایج آماری در سال ۲۰۰۰ از ۲۸ شهر بالای ۸ میلیون نفر ۲۳ شهر آن مربوط به کشورهای در حال توسعه بوده است (نوریان، ۱۳۹۶). افزایش تعداد کلان شهرها ناشی از تمرکز فوق العاده جمعیت در فضاهای پیراشهری ناشی از رقابت های نابرابر اقتصادی در فضا است. بعبارت دیگر وجود فضاهای محدود تجهیز شده و عمدتاً در مراکز پایتختی این کشورها گرایش به تمرکز سرمایه، فعالیت و جمعیت را در آنها تشدید کرده است. در این قطبها با تمرکز مازاد اقتصاد ملی زهکشی شده از سراسر کشور، فضایی مؤثر برای جذب جمعیت خلق می شود. محدودیت فضایی کلان شهرها و سرریز جمعیت و پراکنش فعالیت در نواحی پیرامونی آنها تحولات منفی و مثبت بسیاری بر فضا و عملکرد نواحی پیرامونی دارد به گونه ای که نواحی گسترده ای در

معرض پدیده های همچون ادغام، خزش و شکل گیری سکونتگاههای غیر رسمی قرار دارند و در پی ساخت و سازهای فراگیر و با بارگذاری خدمات لجام گسیخته و در نهایت اغتشاشات فضایی و کاهش قابلیت های توسعه را در باعث می شود (افراخته و حجبی پور، ۱۳۹۴).

با ردیابی در ادبیات توسعه و بویژه مطالعات انجام شده در اغلب کشورهای در حال توسعه، عموماً از روند توسعه فضایی نظام سکونتگاهی ونحوه توزیع منطقه ای جمعیت_فعالیت های خود ابراز ناراضی می نمایند (Mathur, 1997:66). در مفهوم شناسی نظری به این پدیده فضایی_عملکردی، همواره دو گونه نظریه اساسی قابل توجه است. نظریه وابستگی و شهرنشینی و نظریه توسعه فضایی است. بر اساس نظرگاه وابستگی و شهرنشینی، جهان سوم با جهان پیشرفته تنها از نظر افزایش شمار شهرنشینان و پیدایش و رشد شهرها مشابه است و در پس این شباهت ظاهری، تفاوت های عمیق اجتماعی_اقتصادی و کالبدی_فضایی، نظام شهرنشینی در شرایط وابستگی را از شهرنشینی در دنیای غرب جدا می سازد. برای تحلیل این تفاوت فریدمن (۱۹۵۶ و ۱۹۷۳) هاروی (۱۹۷۳) والتون (۱۹۷۶) و کاستل (۱۹۷۷) از دیدگاههای مکتب وابستگی استفاده کردند. کاستل در پژوهش های خود، مساله شهر در قالب اقتصاد سیاسی فضا را متأثر از سه ویژگی تمرکز جمعیت و فعالیت های اقتصادی در یک یا چند منطقه شهری بدون ادغام آنها در یک شبکه شهری، فقدان یک نظام در سلسله مراتب شهری و فواصل فرهنگی_اجتماعی بین اجتماعات روستایی و مناطق شهری را مختص شهری شدن جوامع پیرامونی بر می شمارد. او در تحلیل الگوی فوق نتیجه می گیرد که فرایند شهرنشینی بیان پویای اجتماعی فوق در پهنه فضا است. کاستل بر این باور است که باید بین صنعتی شدن و شهرنشینی رابطه ای قائل شد، هرچند این رابطه در غرب مثبت بوده اما رشد صنعتی در جهان در حال توسعه شهرنشینی وابسته را بدنبال داشته است. به عبارت دیگر فرضیه های را در رابطه با رشد شتابان شهری جهان سوم صورت بندی می نماید:

- رشد جمعیت شهری در جهان سوم عمدتاً معلول مهاجرت است و عوامل رانش از روستا بیش از عوامل جذب به شهرها منجر به مهاجرت روستاییان می شود.
 - چون مهاجرت به شهرها عمدتاً ناشی از فروپاشی ساخت های روستایی است تا تقویت بنیادهای شهر در نتیجه تنها بخشی از مهاجرین در نظام تولیدی و اجتماعی شهر جذب خواهند شد.
 - شهرنشینی وابسته منجر به تمرکز بالای جمعیت در نخست شهرها می شود (افروغ، ۱۳۷۷):
- (۴۴).

به اعتقاد این گروه دیدگاه های رسمی شهرنشینی قادر به درک انعکاس فضایی تمرکز، انتشار و بهره بری در مقیاس بین منطقه ای و بین المللی نبوده اند. وابستگی پدیده ای است که از نظر سیاسی در مقیاس جهانی سازمان یافته و در نتیجه آن سلسله مراتب استثمار پدید آمده تا ارزش اضافی و مازاد را از

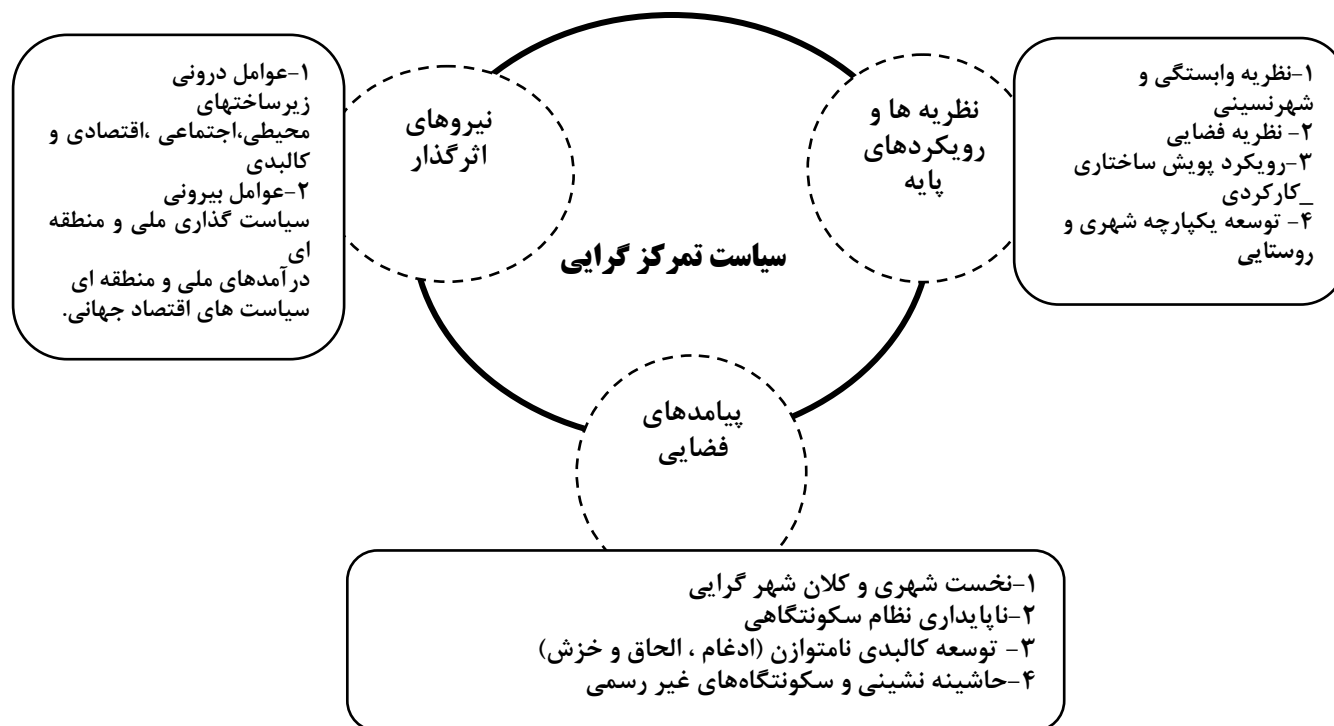
طبقات زیرسلطه به طبقات سلطه گر در محدوده ملی و از حاشیه به مرکز در محدوده بین منطقه ای و بین المللی گسیل دارد. پس الگوی شهرگرایی و شهرنشینی کشورهای در حال توسعه بر اساس چنین سلطه تاریخی شکل می گیرد. در فضای ملی یک، دو یا چند شهر رشدی خیره کننده می یابند و فضای ملی نیز با ناهمگونی فراوانی روبرو شده، جمعیت نه در پی تولید بلکه در پی پادویی فرایند دست به دست گشتن کالا، به این مراکز رشد یابنده هجوم می آورند و روستاهای زیادی از سکنه خالی می شوند (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲: ۳۲۰). البته بدنبال نظریه وابستگی و شهرنشینی والرشتاین با طرح و توسعه نظریه نظام جهانی با اتکا به نظریه مرکز - پیرامون، مادرشهرهای اصلی کشورهای توسعه یافته را مراکز کنترل نظام جهانی می داند که از این طریق دستیابی به منافع کشورهای فقیر را هدایت می کنند.

در شناخت رویکردهای نظام فضایی نیز به اعتقاد فریدمن هر کشوری از یک بخش هسته‌ای و نواحی پیرامونی تشکیل می‌شود. مناطق هسته‌ای اثر تعیین کننده‌ای بر پیرامون داشته و اثر خود را بر آنها اعمال می‌کنند. بر این اساس اعتقاد داشت که مدل مرکز - پیرامون در مقیاس جهانی در درون نظام سرمایه‌داری جهانی و در مقیاس ملی و محلی در کشورهای در حال توسعه شکل می‌گیرد. بدین ترتیب در سطح کلان گسستگی نظام سلسله مراتب سکونتگاهی و تقسیم نامتوازن جمعیت و امکانات در کشورهای توسعه نیافته و تجمع آنها در کانون‌هایی نظیر مادر شهرهای ملی یا منطقه‌ای انعکاسی از شرایط مرکز- پیرامون و سیاستگذاری‌های کلان سرمایه در جهان است. از سوی دیگر نظام سلطه جهانی از دیرباز برای برقراری جریان زهکش کننده به تمرکز در این کشورها رو کرده و از طرف دیگر در درون این کشورها نیز منشاء صرفه اقتصادی بوده است و تقویت این تمرکز را باعث می‌شود (سجادی، ۱۳۸۰: ۱۶۹). در حقیقت مفهوم مرکز - پیرامون وقتی به اوضاع روابط بین‌المللی اطلاق می‌شود در آن دو سیستم بسیار متفاوت وجود دارد بطوریکه مرکز، کشورهای فراصنعتی با نظام اقتصادی سرمایه‌داری هستند که به مرحله سرمایه‌گذاری خارجی رسیده‌اند و پیرامون یا حاشیه کشورهایی هستند که اقتصاد آنها در مرحله پایین‌تری قرار دارد و در اقتصاد جهانی ادغام شده‌اند (صرافی، ۱۳۷۷: ۱۰۱). البته در سطح محلی نیز این تئوری وجود سکونتگاههای شهری و روستایی در مناطق است که شهرها مرکز و روستاها پیرامون محسوب می‌شوند و واقعیت این است که همواره شهرها بدلیل قدرت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر روستاها تسلط دارند. سیطره شهرها بر حوزه‌های پیرامونی از طریق اعمال کارکردهای تدارکاتی تشدید می‌گردد. زیرا اولین پیامد اقتصادی شهرها به حوزه‌های روستایی پیرامونی، کمبود واحدهای خدماتی خصوصی و عمومی در سطح روستاست (اهلرس، ۱۳۸۰: ۲۳۱). با این صورت بندی و نگاه به چارچوب مدل فریدمن، روابط بین مرکز و پیرامون براساس دو نوع جریان مساعد و نامساعد برقرار می‌گردد. جریان سرمایه‌گذاری از مرکز به پیرامون، خرید مواد اولیه صنایع، استفاده از

پیرامون بعنوان مرکز گذران اوقات فراغت و خرید محصولات پیرامون توسط مرکز را می‌توان جزء جریان مساعد دانست که میردال این جریان را اثربخش و هیرشمن آنرا اثر تراوش می‌خواند. اما جریان نامساعد همان جریان نیروی کار و سرمایه از پیرامون به مرکز بخاطر بازده مطلوب‌تر و مطمئن‌تر آن و ناتوانی فعالیت‌های اقتصادی پیرامون در رقابت با محصولات مرکز است که میردال آنرا اثر موج و هیرشمن آنرا اثر قطبی شدن یا جذب می‌خواند. آنچه از نظر توسعه منطقه‌ای قابل توجه است تعادل نسبی بین این دو نیروست. بنابراین اگر تمرکزگرایی غالب شود، پیرامون بصورت ناحیه‌ای عقب مانده و وابسته به مرکز باقی می‌ماند در حالیکه با جایگزینی اثر پخش، یکپارچگی فضایی حاکم و نظام سکونتگاهی به گونه ای فضایی_ عملکردی و متجانس سازمان می‌یابد.

در این سازمان فضایی رابطه تبیین روابط شهر و روستا، شهرهای بزرگ و مراکز تجمع فعالیت‌های اقتصادی بعنوان مرکز و حوزه‌های روستایی پیرامون بعنوان حاشیه مطرح می‌شوند این روابط نابرابر در بسیاری موارد به نفع مرکز تمام می‌شود و باعث مهاجرت و جاری شدن هر چه بیشتر سرمایه از حوزه‌های پیرامونی به مرکز منجر می‌شود. اما ترنر با نگاهی دیگر با پذیرش شرایط مذکور در ایجاد سکونتگاههای ناهنجار پیرامونی و در چارچوب دیدگاههای مبتنی بر توانمند سازی و ساماندهی و بعنوان یکی از پیشگامان این طرز تفکر معتقد است مسکن نه یک شی بعنوان سرپناه بلکه یک فعل و فرایندی زمان بر، پویا و تکاملی می‌باشد که طی آن تهیدستان شهری با توان خودشان نسبت به ایجاد و بهبود محیط زندگی‌شان اقدام می‌نمایند. حاشیه نشینان برنامه ریزان شهری و معمارانی هستند که در غیاب برنامه ریزی شهری و معماری رسمی به فکر خود می‌افتند و برای ارتقاء حیاتشان تلاش می‌کنند. او این پدیده را واقعیت شهری دنیای معاصر بویژه جهان سوم و شهرنشینی شتابان و ناهمگون آن می‌داند (شیخی، ۱۳۸۷: ۲۴). هاردوی و ساترتوایت بر این باورند که مردمان سازنده این سکونتگاهها در واقع شهرسازانی هستند که مهمترین نیروهای بالقوه کشورهای جهان سوم محسوب شده و جهت حفظ منابع و فرایند دموکراتیک شهرسازی نیروی مؤثری محسوب می‌شوند. آنها کارایی بسیار موفقی در گسترش محلات مسکونی شهر و نیز سازمان دهی خانه سازی از خود نشان داده اند هر چند دولت ها آنها را به رسمیت نمی‌شناسند راه و روش، طرح و برنامه، مصالح ساختمانی و شیوه ساخت آنها غالبا بیشتر از آنچه طرحها و ضوابط قانونی دولتی تجویز می‌کنند با نیازهای محلی، سطح درآمدی، اقلیم و زیست بوم و منابع محلی تطابق دارد (Hardoy and Satterhwaite, 1995: 16). پرلن اساسا تفکر حاشیه نشینی را درست ندانسته و معتقد است فقرا از نظر اقتصادی حاشیه ای نیستند بلکه مورد بهره کشی قرار گرفته اند از نظر اجتماعی حاشیه ای نیستند، بلکه طرد شده اند از نظر فرهنگی حاشیه ای نیستند بلکه لکه دار و بدنام شده اند و از نظر سیاسی حاشیه ای نیستند بلکه تحت سلطه قرار گرفته اند. حاشیه نشینان از نظر

اجتماعی و فرهنگی سازمان یافته و خوشبین بوده و بدنبال ارتقاء وضعیت سکونت خود سخت کار می کنند. آنها هم در بخش رسمی و هم بخش غیر رسمی کار می کنند و تا حد زیادی سازمان یافته و تنوع بالایی از واحدهای مسکونی را متناسب با طبقه درآمدی، سطح سواد و شغل ارائه می دهند (Perlman , ۱۹۸۹: ۶).



شکل (۱) مدل مفهومی پژوهش

در ایران برخی مطالعات صورت گرفته با تکیه بر رویکردهای اقتصاد سیاسی فضا به تحلیل روند شهرگرایی و تحولات آن پرداخته و دیگران سرمایه داری وابسته، اصلاحات ارضی و افزایش سریع قیمت نفت و گسترش روابط سرمایه داری سوداگر را به عنوان عوامل بنیادی در تمرکزگرایی و تحولات فضایی مؤثر دانسته اند (شیخی، ۱۳۸۷: ۳۰۲ و رفیعی، ۱۳۷۴ و حسامیان و همکاران، ۱۳۸۸ و پیران، ۱۳۶۹). البته گروهی هم سایر عوامل از قبیل نادیده انگاشتن اقشار کم درآمد در برنامه ریزی شهری و طرح ها و برنامه های رسمی دولتی و عدم توجه به نحوه تامین مسکن آنها در بازار رسمی مسکن و عدم توجه پیش بینی مکانیسمی برای تامین مسکن و نحوه سکونت آنها، تدوین ضوابط و معیارهای آرمان گرایانه و نامرتب با توان مالی - اقتصادی و ناهمخوانی با خاصه های فرهنگی، خواستها و اولویت ها و ترجیحات گروههای کم درآمد، ضوابط و مقررات تسهیل گر مانند قانون شهرک سازی سال ۱۳۵۰، آیین نامه احداث بنا در خارج از محدوده و حریم شهرها سال ۱۳۵۵، طرح جامع شهر تهران و تعیین محدوده شهر

و ضوابط و مقررات شهرسازی و ساختمانی، نیازهای فرهنگی و روانی داشتن مالکیت مسکن و سرپناه اشاره داشته اند (پیران، ۱۳۶۸: ۳۴ و خاتم، ۱۳۷۴: ۳۶۷ و شیخی، ۱۳۸۵: ۳۰۱ و وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۸: ۴۱).

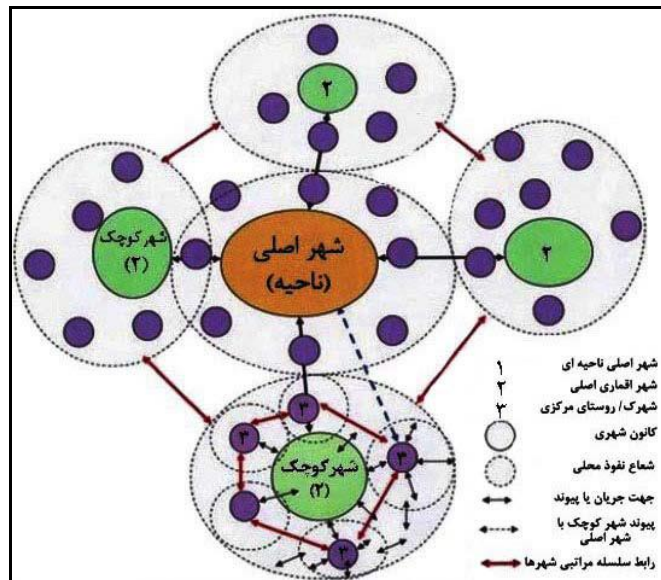
بدین ترتیب رهیافت برنامه ریزی فضایی برای سازمان بخشی نظام سکونتگاهی برای فضای ملی، منطقه ای و محلی چیست و سیاست تمرکز گرایی بایستی جایگزین کدام راهبرد و الگوی توسعه ایی شود که از یک سو پایداری سکونتگاههای روستایی و شهری را بصورت متوازن و از سوی دیگر توسعه پایدار محلی و منطقه ایی را در در پیرامون کلان شهرها راهبری نماید. با توجه به ادبیات نظری در چارچوب برنامه ریزی، رویکرد های پویا ساختاری _ کارکردی و پیوند فضایی _ عملکردی روستا_شهریاز مطلوبیت مفهومی و کاربردی برخوردار است. در رویکرد پویا ساختاری _ کارکردی آمده که "پویا ساختاری _ کارکردی بر این واقعیت استوار است که میان ساختار و کارکرد تمام پدیده ها، در اینجا پدیده های جغرافیایی، نوعی پیوند تنگاتنگ برقرار است که مجموعه حاصل از آن قابلیت های آن نظام را نمایندگی و تحقق می کند" (سعیدی: ۱۳۹۰، ۱۳ و سعیدی ۱۳۹۱) و در پی آن قانونمندی های همچون: "بین بسترهای عینی یک پدیده (ساختار آن) و فعالیت پذیری و تحقق روابط (کارکرد) آن پیوندی بی چون چرا برقرار است.

_ بدون عنایت به ویژگی ساختاری یک نظام مکانی _ فضایی نمی توان انتظار هرگونه کارکردی دلخواه را داشت.

_ برای ایجاد دگرگونی مثبت (توسعه) در کلیت نظام مکانی _ فضایی اعم از شهر و روستا تحول ساختاری _ کارکردی الزامی است" (سعیدی: ۱۳۹۰، ۱۴).

براین اساس با توجه به فرض اصلی و قانونمندی های مرتبط بر آن "پویا ساختاری _ کارکردی بر این باور استوار است که دخالت در بخشی از ساختار کالبدی، بدون عنایت به بخش های دیگر کالبدی (ساختار محیطی _ اکولوژیک) و بی توجه به کارکردها (فعالیت ها و روابط جاری از جمله اشتغال متناسب) یعنی بی مهری به پویا نظامواره سکونتگاه ها نمی تواند آن طور که انتظار می رود به اهداف متصور خود دست یابد" (سعیدی: ۱۳۹۱، ۱۲). حال در بهره گیری از این رویکرد ها در تحلیل و توسعه مکانی _ فضایی سکونتگاهی در فضا های محلی _ منطقه ای به ویژه آنجایی که روابط و مناسبات سکونتگاه های روستایی و شهری در پیرامون کلان شهرها مطرح است، نیاز به بسترهای فضایی مناسب برای تحقق نظام برنامه ریزی فضایی است. براین بنیاد، برنامه ریزی در قالب منظومه های روستایی نه تنها بر تنوع ساختاری شبکه های محلی، بلکه به انواع فعالیت ها و روابط (کارکردهای) آنها تأکید ورزیده، پیشبرد

برنامه‌های توسعه روستایی را در قالب یکپارچگی نظام‌وار توسعه فضایی روستایی شهری راهبری می‌نماید." (سعیدی: ۱۳۹۲، ۱۶).



شکل (۲) پیوندهای روستایی شهری در سامان‌پذیری فضایی ناحیه و منظومه‌های مرتبط

منبع: سعیدی ۱۳۹۲: ۱۶.

بنابراین در یک گزاره روشن مبتنی بر الگوی مفهومی برای برنامه ریزی نظام سکونتگاهی در پیرامون کلان‌شهرهای منطقه ای، توسعه ناحیه شهری از طریق توسعه محلی، منظومه‌های روستایی بستری مناسب را در توسعه روستا-شهری و متضمن الگوی متوازن و پایدار بدست می‌دهد که از این رو بایستی تجدید نظر اساسی در سیاست تمرکزگرایی و تسهیل در پیوند نظام سکونتگاهی در پیرامون و نواحی کلان شهری توسط برنامه ریزان توسعه منطقه ای صورت پذیرد.

۳) روش تحقیق

پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش، درچارچوب نظری پارادایم فضایی و بهره‌گیری از رویکردهایی همچون پویا ساختاری-کارکردی و پیوند فضایی-عملکردی روستا-شهری سازمان دهی شده است. سازمان تحقیق با رویکرد کاربردی در پی کشف تحولات نظام کاربری به منظور درک مناسبات و روابط نظام سکونتگاهی در پیرامون و ناحیه شهری تهران است. زیرا به دنبال شناسایی و تحلیل تحولات و عوامل مؤثر بر نظام فضایی سکونتگاه‌های پیرامون کلان شهر تهران و تدوین راهکارهای مناسب برای برون رفت از عدم تعادل فضایی است. از سوی دیگر این پژوهش از نظر ماهیت و روش شناسی در قالب الگوهای توصیفی-تحلیلی است زیرا دنبال شناخت وضع موجود و تحلیل نظام‌وار سکونتگاهی است تا بر اساس

آن و ویژگی‌های مکانی- فضایی و عملکردهای متناظر کلان شهر تهران را بر سکونتگاه‌های انسانی پیرامون ارزیابی نماید. این پژوهش از دو بخش اصلی پایش نظام سکونتگاهی به منظور بهره‌گیری از الگوهای سنجش از دور جهت تحلیل تصاویر ماهواره‌ای و از سوی دیگر تعمیق روابط و مناسبات عملکردی سکونتگاهی بصورت پیمایش میدانی است. در بخش پایش سکونتگاهی برای ارزیابی میزان و روند تحولات سکونتگاه‌ها در ناحیه شهری مورد مطالعه از سری زمانی تصاویر ماهواره‌ای لندست سنجنده TM با فواصل ۱۰ ساله مربوط به سال‌های ۱۹۸۸، ۱۹۹۸ و ۲۰۰۹ استفاده گردید تا از این طریق تحولات سکونتگاه‌ها در این دوره معین همگام با تحولات شهرنشینی در کشور و گسترش کلان شهر تهران و تأثیر آن بر پیرامون مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه اطلاعات حاصل از تصاویر ماهواره‌ای و یافته‌های حاصل از سایر اسناد معتبر از طریق بازبینی میدانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

(۴) یافته‌های تحقیق

با ردیابی در اسناد و مدارک تاریخی، تحولات فضایی شهر تهران در زمان حکومت صفویان، قاجاریه و پهلوی از روند و شدت یکسانی برخوردار نبوده است. در دوره شاه طهماسب بدلائل عقیدتی (وجود مقبره جدش در شاه عبدالعظیم) و سیاسی تهران با ایجاد برج و بارو، مسجد، بازار و دارالحکومه تبدیل به یک کانون شهری شده و با توسعه راههای ارتباطی با مازندران بنیان شهری آن تقویت می‌گردد. در این دوره علاوه بر استقرار عناصر شهری داخل حصار شهر، برخی از عناصر و تاسیسات جدید مورد نیاز شهر شامل گورستان و میدان تره بار در بیرون حصار استقرار می‌یابد. در این دوره عوامل تأثیرگذار در توسعه فضایی تهران را نقش تجاری، جغرافیایی، مازاد ناشی از کشاورزی، استراتژیک و نظامی تشکیل می‌داد و شهر با مساحتی در حدود ۴ کیلومتر مربع مشتمل بر بافت‌های مسکونی و تجاری و اراضی زراعی و باغی بود.

البته با انتخاب تهران بعنوان پایتخت قاجاریه، مرکزیت سیاسی و حکومتی تهران زمینه نوینی برای رشد جمعیت و افزایش عملکردهای شهری و توسعه کالبدی آن ایجاد کرد. از سوی دیگر مصادف شدن این دوره با انقلاب صنعتی اروپا زمینه نفوذ تمدن غربی و سرمایه‌داری جهانی به کشور و بویژه تهران را مهیا نمود. در این دوران با شکل‌گیری پدیده‌های جدید فضایی در تهران ظهور و گسترش فضایی از شتاب بیشتری برخوردار شد.

✚ گرایش به باغ و عمارت‌سازی بویژه در نواحی شمالی شهر: در این دوره کاخ‌ها، عمارات و باغ‌های زیادی در داخل حصار و خارج آن شکل گرفتند. ساخت و سازهای مذکور علاوه بر گسترش فضایی شهر

در دوره های بعد نیز تأثیرات زیادی بر نحوه توسعه تهران بجای گذاشتند و زمینه شکل گیری محله ها و معابر جدید را فراهم کردند.

✚ تمرکز اداری و سیاسی بصورت ساخت و سازهای دولتی مانند بلديه ، نظمیه ، تلگرافخانه ، بانک شاهی ، سفارتخانه ها و سکونتگاههای خارجیان

✚ توسعه صنایع و کارخانجات در تهران با ورود نخستین کارخانه های صنعتی که تعدادی در داخل حصار و تعدادی در خارج حصار شهر در جاده شمیران و الهیه دامنه خزش شهر را بر عرصه های کشاورزی وسعت بخشیدند .

✚ توسعه شبکه معابر و بهره گیری از حمل و نقل عمومی همگام با ورود وسایل حمل و نقلی از قبیل درشکه ، واگن و راه آهن ، در این دوره ایجاد ۹ کیلومتر خط آهن بین تهران و ری و فضاهای جدید شهری مانند خیابان و پارک باعث تشدید توسعه فضایی شهر و تخریب برج و باروی قدیمی با فضای ۴ کیلومتر مربعی شهر و ایجاد برج و باروی جدید با فضای شهری ۱۹ کیلومتر مربع شد .

در این دوره با توسعه فیزیکی شهر بر عرصه های پیرامونی و سپس خزش فضایی ، بخشی از اراضی و فضاهای پیرامونی در شهر ادغام و مساحت ۵ برابر می شود و شهر از چهار طرف و بویژه به شمال گسترش می یابد . بخشی از باغ ها و عمارات در داخل فضای شهری ادغام و بسرعت ساخت و سازهای جدیدی بین باروی قدیمی و جدید بوجود می آید و محله های جدیدی شامل محله دولت در شمال شهر و محله سرقبرآقا در جنوب شهر در پیرامون محله های قدیمی شکل می گیرد . شهر تهران در دوره ۱۵۰ ساله قاجاریان علیرغم تحولات و اصلاحات کالبدی از نظر بنیادها و سیمای شهری همچنان به صورت یک شهر سنتی با ساختار فئودالی باقی ماند (مهدیزاده ، ۱۳۸۱ : ۱۷) . جمعیت تهران نیز در این دوره رشد کمی داشته چنانچه از ۱۰۶۴۷۲ نفر در سال ۱۲۶۲ خورشیدی به ۲۱۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۰۱ خورشیدی افزایش می یابد .

در دوره پهلوی اول که برخی از نظریه پردازان آن را آغاز غلبه شبه مدرنیسم یا نوگرایی نامیدند . در این دوره همگام با تحولات اساسی در نظام سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی ایران ، روند جدیدی در توسعه کالبدی شهر تهران بعنوان مظهر و کانون این تحولات بوجود آمد . مجموعه قوانین مشتمل بر قانون بلديه (۱۳۰۹ خورشیدی) و قانون توسعه معابر (۱۳۱۲ خورشیدی) تخریب دیوارهای قدیمی شهر و توسعه خیابان ها را بدنبال داشت و طرح جدید تهران (۱۳۱۶) مطابق نظریه مدرنیست ها و تحت نظر کارشناسان خارجی بافت شطرنجی و جدایی عملکردهای شهری را سازمان یافت . بدین ترتیب از این دوره به بعد سکونتگاههای شهری در نظام سیاسی و اقتصادی کشور از عملکرد اجتماعی و اجتماعی بیشتری برخوردار می شوند و شهر تهران نیز بعنوان مرکز سیاسی کشور در راس نظام سلسله مراتب شهری، تحت تأثیر عوامل متفاوتی تحولات کالبدی - فضایی در پیرامون شهر شکل می گیرد.

- استقرار صنایع جدید در بیرون بافت های مسکونی و در جاده های اصلی و ارتباطی مانند کارخانه سیمان در جاده تهران - ری ، کارخانه چیت سازی در اراضی جنوب ، کارخانه شیشه و بلورسازی نزدیک راه آهن تمرکز فعالیت و سکونت در این مکان ها و گسترش دامنه فضایی شهر تهران (نظریان، ۱۳۶۹) بر عرصه های پیرامونی را بدنبال داشته و زمینه و جهات توسعه های بعدی فراهم می شود (جدول ۱) .

- ایجاد تاسیسات و تجهیزات جدید شهری در همجواری درون فضای شهری همچون دانشگاه تهران در اراضی شمال شهر و راه آهن در اراضی جنوب که باعث بارگذاری کانون های جدید فعالیت و سکونت در اطراف شهر و توسعه شبکه ارتباطی را فراهم آورد (جدول ۲) .

- گسترش و ورود حمل و نقل ماشینی تأثیر زیادی در تحولات کالبدی شهر داشته و بویژه با تصویب قانون توسعه معابر تمام حصار و باروهای شهر تخریب و با ایجاد خیابان های ماشین رو روند توسعه فیزیکی شهر تشدید شد .

- استقرار و تمرکز فزاینده دستگاه اداری و نظامی کشور در تهران که زمینه را برای سایر تحولات کالبدی - فضایی در شهر تهران و افزایش جمعیت این شهر فراهم آورد. زیرا جمعیت شهرتهران از ۲۱۰ هزار نفر در سال ۱۳۰۱ به ۳۱۰ هزار نفر در سال ۱۳۱۱ و ۷۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۲۰ افزایش یافت. بدین ترتیب در دوره ۲۰ سال جمعیت شهر تقریباً سه برابر افزایش یافت (حبیبی ، ۱۳۷۵ : ۱۶۰) .

از نگاه فضایی با استقرار نهادها و بناهای جدید دولتی و اداری مانند ساختمان های وزارت دادگستری ، دارایی و وزارت خارجه ، اداره پست ، کتابخانه ملی ، موزه ایران باستان ، وسایر ادارت در جوار بازار و توپخانه (میدان امام خمینی) در محدوده تاریخی شهر میزان تمرکز و تراکم کار و فعالیت در هسته مرکزی بشدت افزایش پیدا کرده و تقویت کننده الگوی تک مرکزی آن بود و از سوی دیگر با استقرار بخشی از تاسیسات و تجهیزات شهری ، صنایع و پادگان ها در اطراف شهر ، کانون های جدید توسعه در بیرون از بافت قدیمی و به شکل حلقوی در اطراف تهران به سمت خارج شکل می گرفت . در سال ۱۳۱۱ در حدود ۲۰ درصد جمعیت شهر تهران (حدود ۶۰ هزار نفر) در خارج از باروی شهر سکونت داشتند بنابراین با توسعه بیرون از حصار زمینه تغییرات مکانی- فضایی شهر با تخریب حصار صورت گرفت و مساحت شهر به حدود ۴۶ کیلومتر مربع افزایش یافت که ۱۱ مرتبه از تهران دوره فتحعلی شاه و ۲,۵ برابر دوره ناصرالدین شاه بزرگتر بود .

جدول (۱) بارگذاری مکانی - فضایی تأسیسات و واحدهای تولیدی - صنعتی جدید تهران (۱۳۰۰-۱۳۲۰)

نام کارخانه	سال تاسیس	محل استقرار
کارخانه قند کهریزک	۱۳۱۰	آبادی کهریزک
کارخانجات اسلحه سازی	۱۳۱۱	اراضی سلطنت آباد
کارخانه سیمان ری	۱۳۱۲	جاده تهران - ری
کارخانه هواپیماسازی شهباز	۱۳۱۴	اراضی دوشان تپه
کارخانه دخانیات	۱۳۱۶	جاده تهران - قزوین
کارخانه مس غنی آباد	۱۳۱۶	غنی آباد
کارخانه برق ژاله	۱۳۱۷	اراضی دوشان تپه
کارخانه روغن نباتی ورامین	۱۳۱۷	آبادی ورامین
کارخانه چیت سازی تهران	۱۳۱۸	اراضی جنوب تهران
کارخانه سالامبورسازی	۱۳۱۸	اراضی جنوب تهران
کارخانه شیشه و بلور سازی	۱۳۱۸	نزدیک راه آهن
کارخانه شیمیایی امین آباد	۱۳۲۰	جاده امین آباد

ماخذ: محبوبی اردکانی، ۱۳۵۷، سیفی قمی، ۱۳۶۹، کریمان، ۱۳۵۵، زنجان، ۱۳۶۸

جدول (۲) توزیع مکانی - فضایی تأسیسات و تجهیزات جدید شهری در تهران (۱۳۰۰-۱۳۲۰)

نام تأسیسات	سال تاسیس	محل استقرار
تلگراف بیسیم	۱۳۰۳	جاده شمیران
فرودگاه قلعه مرغی	۱۳۰۵	آبادی قلعه مرغی در جنوب
اتوبوس شهری	۱۳۰۵	
بیمارستان نجمیه	۱۳۰۶	در شرق
زندان قصر	۱۳۰۸	جاده شمیران
اداره آتش نشانی	۱۳۰۸	میدان حسن آباد
گورستان مسگرآباد	۱۳۱۰	قلعه مسگرآباد در جنوب شرق
ایستگاه راه آهن	۱۳۱۳	در اراضی جنوب شهر
دانشگاه تهران	۱۳۱۳	در اراضی جلالیه در شمال
بیمارستان فیروزآبادی	۱۳۱۳	جاده تهران - ری
ورزشگاه امجدیه	۱۳۱۴	در اراضی شمال شرقی
بیمارستان هزار تختخواهی	۱۳۱۵	در اراضی شمال شهر
موزه ایران باستان	۱۳۱۶	نزدیک میدان حسن آباد
سیلوی تهران	۱۳۱۸	در اراضی جنوب شهر
ایستگاه رادیو	۱۳۱۹	در جاده شمیران
پادگان های نظامی	۱۳۰۰ - ۱۳۲۰	قصر قاجار، باغ عشرت آباد، باغ جمشید آباد، آبادی جی، آبادی قلعه مرغی، سلطنت آباد
کاخ های سعدآباد (۱۴ کاخ)	۱۳۰۱ - ۱۳۳۰	تجربش

ماخذ: محبوبی اردکانی، ۱۳۵۷، سیفی قمی، ۱۳۶۹، زنجان، ۱۳۶۸

با روند تثبیت نظام اداری در دوره پهلوی دوم (بعد از کودتای ۱۳۳۲) و افزایش درآمدهای نفتی مرکزیت تهران به عنوان بزرگترین مادرشهر کشور و کانون سرمایه گذاری های دولتی و خصوصی شکل و ابعاد تازه تری پیدا کرد. کانون اولیه تمرکزگرایی که با انتخاب تهران به عنوان پایتخت در دوره قاجار ایجاد شده بود با تثبیت و تکوین نظام اجرایی در دوره پهلوی اول به صورت تمرکز فعالیت های اقتصادی و سرمایه گذاری های صنعتی به همراه تمرکز اداری و سیاسی در تهران تداوم یافته و در دوره پهلوی دوم تشدید شد (مشهدیزاده دهقانی، ۱۳۸۵: ۱۶۵). در این دوره نیز سایر پدیده های مکانی_فضایی تا قبل از اصلاحات ارضی تأثیر زیادی بر گسترش کالبدی - فضایی شهرتهران را برجای گذاشت.

- تشدید روند سرمایه گذاری در صنایع و شکل گیری مراکز و مناطق جدید صنعتی در پیرامون شهر تهران، در این دوره اساس صنعت خودروسازی کشور در تهران و بویژه در امتداد محور ارتباطی غرب تهران بنیان نهاده شد و بخشی از صنایع در جنوب غرب و شرق تهران استقرار یافتند.

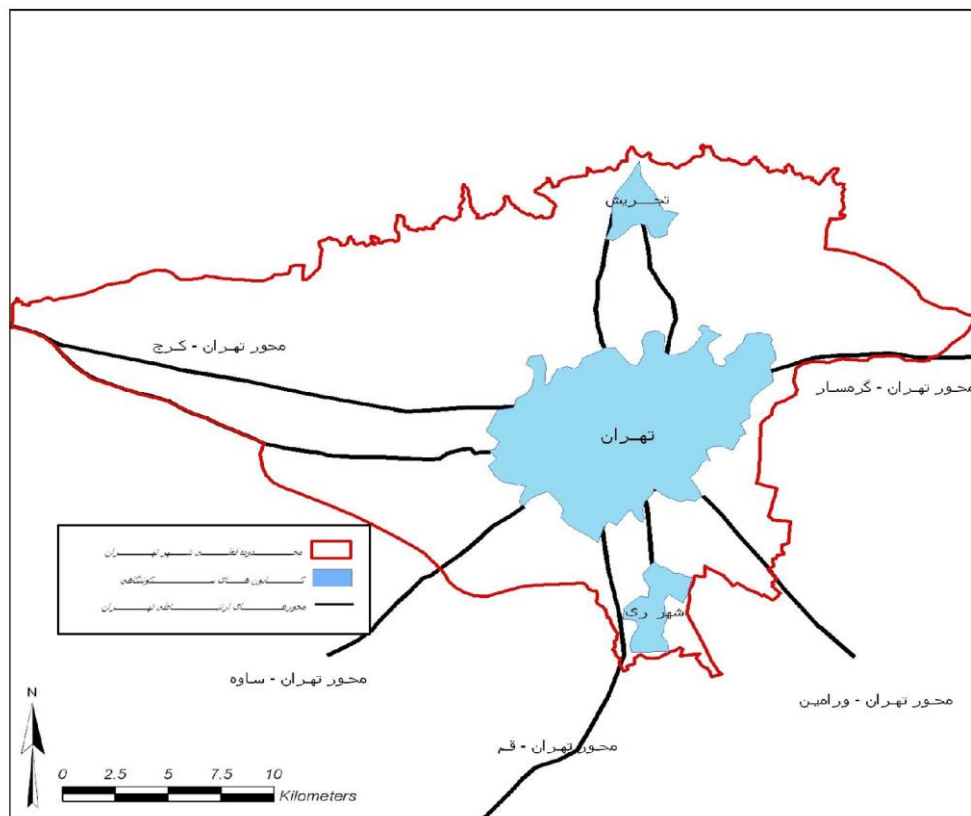
- ظهور شهرک سازی و شهرک نشینی از دیگر پدیده های فضایی جدیدی بود که بصورت یکی از گونه های سکونت و توسعه شهری تهران درآمد.

- ایجاد زیرساخت های جدید شهری مانند زیرساخت های تامین آب، برق و سوخت

با شکل گیری تحولات کالبدی_فضایی در این دوره جمعیت شهر تهران از ۷۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۲۰ با متوسط رشد سالیانه ۵/۴ درصد به ۱۵۶۰۹۳۴ نفر در سال ۱۳۳۵ و با متوسط رشد سالیانه ۵/۷ به ۲۷۱۹۰۰۰ نفر در سال ۱۳۴۵ افزایش یافت (مطلبی ۱۳۹۳: ۱۴۰). بررسی روند رشد جمعیت تهران گویای تشدید روند تمرکزگرایی در تهران و بدنبال آن توسعه فضایی این کانون شهری است. در این دوره توسعه فضایی شهر تهران از جهت گیری مکانی_فضایی خاصی برخوردار شده که بیشترین تمرکز در نواحی شمالی، شمال شرقی و تا حدودی شمال غربی و کمترین آن در جهات و محورهای جنوب، جنوب شرق و جنوب غرب بود. بدین ترتیب با وجود افزایش حدود ۱۴ برابری جمعیت تهران از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۴۵ گسترش فضایی شهر تهران در این دوره عمدتاً بصورت پیوسته پیرامون هسته تاریخی شهر صورت گرفته است (شکل ۳) در این دوره فقط کانون شهری کرج در مجموعه کلان شهری تهران با جمعیتی معادل ۴۴ هزار نفر شکل می گیرد (مطلبی ۱۳۹۳: ۱۳۸)، که در واقع استقرار و تکوین شهری آن وام دار توسعه فزاینده کلان شهری در پی سیاست تمرکزگرایی است.

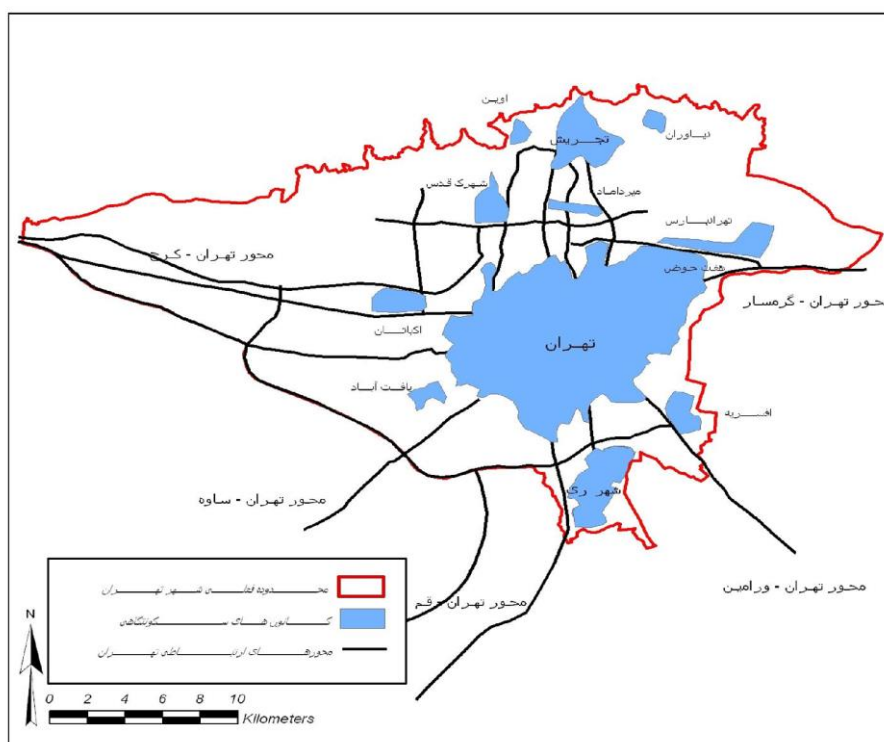
پس از پیاده سازی طرح اصلاحات ارضی و برهم خوردن بافت سنتی کشاورزی و آزاد شدن بخشی وسیعی از کشاورزان از فعالیت های کشاورزی و بدنبال آن پیاده سازی استراتژی صنعتی شدن با الگوی جایگزینی واردات در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، تحولات فضایی شهر تهران از شدت بیشتری برخوردار گردید (رزاقی، ۱۳۶۷: ۲۸). در این دوره عواملی از قبیل استقرار صنایع مونتاژ و فلزی در اراضی حومه شهر

بویژه در مجاورت محورهای ارتباطی به جهت نیاز به اراضی وسیع و دسترسی به محورهای ارتباطی و شکل گیری مناطق صنعتی در محورهای غربی، شرقی، جنوبی و جنوب غرب تهران و اتصال ری به تهران بدلیل استقرار صنایع در محور جنوب توسعه تهران را از جهات شرق، جنوب و بویژه غرب تهران بدنبال داشت. همگام با تحولات مذکور احداث و تکوین شهرک های جدید در اطراف تهران از قبیل شهرک های خاک سفید، افسریه، مسعودیه در شرق و شمال شرق، کوی زاهدی، صاحب الزمان و ولیعصر در جنوب و جنوب غرب، شهرک غرب، تهرانسر، پیکان شهر، فرهنگیان، آزادشهر، اکباتان، سرتیپ فکوری در غرب و زیبا شهر، المپیک، راه آهن و پاس در شمال غرب تهران شکل گیری فضایی شهر تهران را در قالب مناطق ۲۰ گانه به دنبال داشتند (شکل ۴).



شکل (۳) الگوی مکانی- فضایی گسترش شهر تهران در اواسط دهه ۱۳۴۰

منبع: مطلبی، ۱۳۹۳:۱۴۴.



شکل (۴) الگوی مکانی-فضایی گسترش شهر تهران در اوسط دهه ۱۳۵۰

منبع: مطلبی، ۱۳۹۳:۱۴۴.

از سوی دیگر طرح ریزی و پیاده سازی طرح جامع تهران در سال ۱۳۴۷ و ممنوعیت ساخت و ساز در محدوده ۲۵ ساله و حوزه استحفاظی باعث انتقال بخشی از توسعه شهر تهران بصورت ناپیوسته در پیرامون این شهر بویژه در امتداد محورهای ارتباطی بصورت شهرک های کارگری، توسعه و پیوستگی سکونتگاههای روستایی و زایش کانون های شهری خودروی بود. در این دوره در پیرامون شهر تهران ۸ محور ارتباطی رشد شامل محور تهران - کرج، محور تهران - اشتهارد، محور تهران - ساوه، محور تهران - قم، محور تهران - ورامین، محور تهران - گرمسار، محور تهران - فیروزکوه و محور تهران - فشم با ۲۱ حوزه شهری شکل گرفت (جدول ۳).

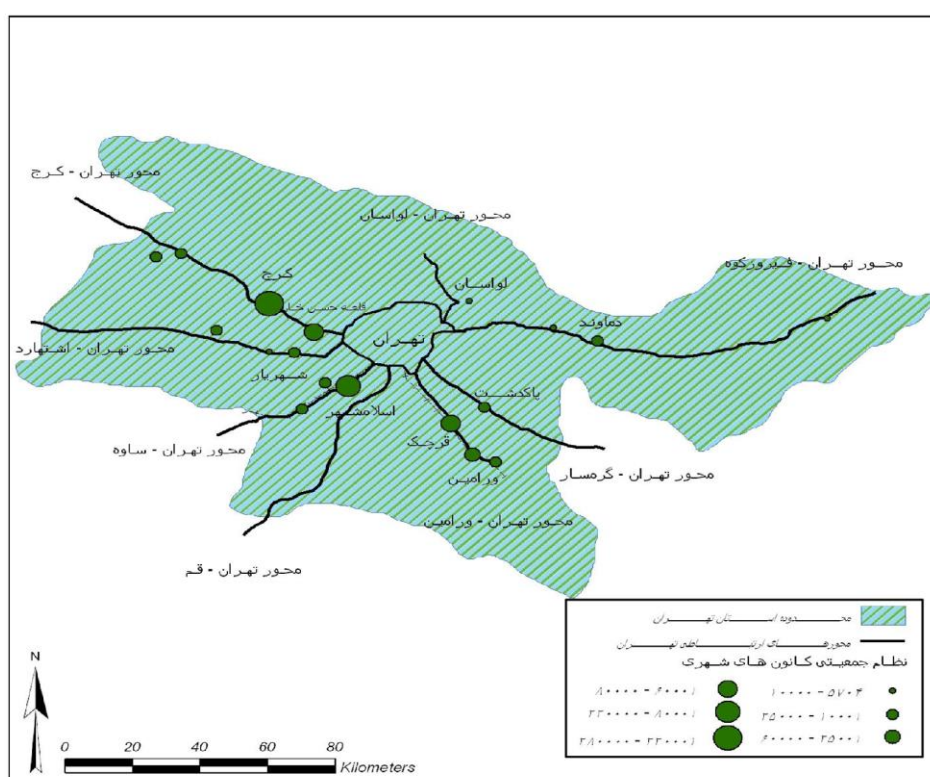
جدول (۳) ساختار نظام سکونتگاهی بر اساس میزان جمعیت در شبکه محورهای ارتباطی کلان شهر تهران در دوره زمانی ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵

نام محور	کانون های جمعیتی بالاتر از ۵ هزار نفر	جمعیت ۱۳۵۵	جمعیت ۱۳۶۵	رشد سالانه ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵	فاصله تا شهر تهران
محور تهران - کرج		۲۳۵۶۲۲	۸۹۶۹۱۷	۱۵,۹	
حوزه قلعه حسن خان	قلعه حسن خان ، سرخ حصار	۸۰۸۲	۷۴۴۷۱	۲۷,۹	۳۳
حوزه کرج	کرج ، گرم دره ، آق تپه ، کمال آباد	۲۰۱۶۹۱	۷۴۱۰۱۸	۱۵,۴	۳۶
حوزه هشتگرد	هشتگرد، نظرآباد، علی آباد، هیو، نجم آباد	۲۵۸۴۹	۸۱۴۲۸	۱۳,۶	۶۶
محور تهران - اشتهارد		۲۹۱۹۵	۷۸۰۱۰	۱۱,۵	
حوزه علیشاه عوض	علیشاه عوض، مردآباد	۱۲۵۱۱	۳۳۸۰۲	۱۱,۷	۲۹
حوزه ملارد	ملارد	۵۹۷۰	۱۲۵۰۰	۸,۶	۳۶
حوزه مردآباد	مردآباد	۵۶۴۰	۱۸۹۳۴	۱۴,۴	۴۹
حوزه اشتهارد	اشتهارد	۵۰۷۴	۱۲۷۷۴	۱۰,۸	۶۶
محور تهران - ساوه		۷۰۴۵۲	۳۵۹۷۴۰	۱۹,۸	
حوزه چهار دانگه	چهار دانگه، شاطره، گلدسته	۱۳۵۳۷	۹۳۵۶۷	۲۳,۹	۱۲
حوزه اسلامشهر	اسلامشهر، اکبرآباد	۵۰۲۹۲	۲۳۶۱۱۴	۱۸,۷	۲۲
حوزه رباط کریم	رباط کریم	۴۶۱۰	۲۱۸۶۴	۱۸,۹	۳۷
حوزه احمدآباد مستوفی	احمدآباد مستوفی	۲۰۱۳	۸۱۹۵	۱۶,۹	۱۶
محور تهران - قم		۳۶۹۶	۳۲۶۷۰	۲۷,۴	
حوزه کهریزک	کهریزک، قاسم آباد، شورآباد	۱۷۲۲	۱۹۶۲۰	۳۱	۱۰
حوزه حسن آباد	حسن آباد	۱۹۷۴	۱۳۰۵۰	۲۳,۴	۳۳
محور تهران - ورامین		۵۹۳۴۰	۲۱۵۲۵۳	۱۵,۴	
حوزه فیروزآباد	تقی آباد، امین آباد، فیروزآباد	۴۵۴۸	۲۷۰۵۶	۲۱,۹	۶,۵
حوزه قرچک	قرچک ، باقرآباد، خیرآباد	۱۷۸۰۰	۹۵۶۵۸	۲۰,۵	۲۱
حوزه ورامین	ورامین، پیشوا، جلیل آباد	۳۶۹۹۲	۹۲۵۳۹	۱۰,۷	۳۶
محور تهران - گرمسار		۶۷۹۹	۵۵۹۱۰	۲۶,۳	
حوزه مامازند	خاورشهر، قیام دشت، مامازند، پارچین	۶۷۹۹	۵۵۹۱۰	۲۶,۳	۲۴
محور تهران - فیروزکوه		۱۸۶۷۵	۳۹۱۸۰	۸,۶	
حوزه دماوند	دماوند، رودهن	۱۲۹۷۱	۲۹۹۷۳	۹,۷	۶۰
حوزه فیروزکوه	فیروزکوه	۵۷۰۴	۹۲۰۷	۵,۵	۱۲۵
محور تهران - فشم		۵۱۱۵	۱۷۷۹۶	۱۴,۹	
حوزه لواسان	لواسان	۷۷۸	۹۰۵۵	۳۱,۳	۱۳
حوزه فشم	اوشان، فشم، میگون	۴۳۳۷	۸۷۴۱	۸,۱	۲۱
جمع		۴۲۸۸۹۴	۱۶۹۵۴۷۶	۱۶,۵	

ماخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵

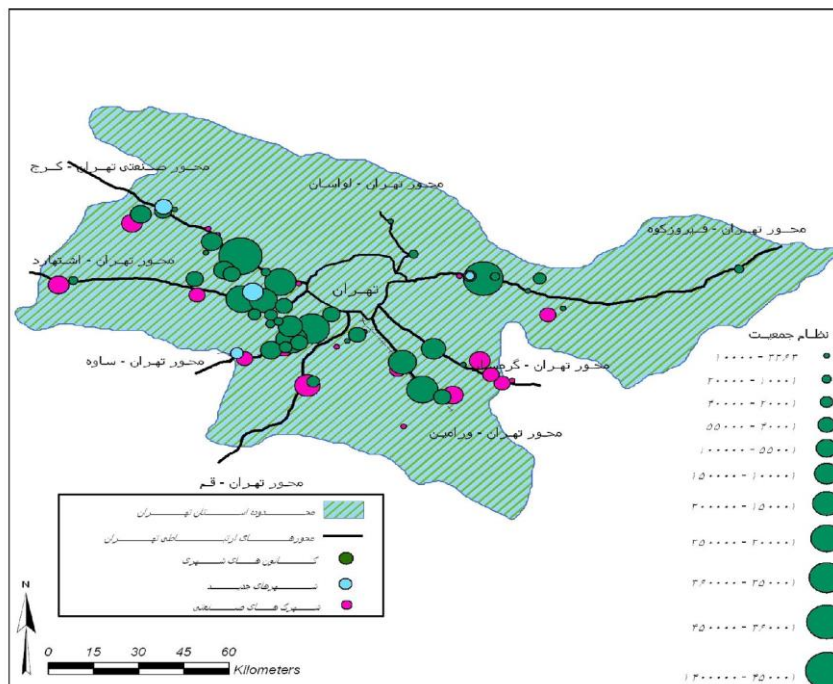
از اواخر دهه ۱۳۶۰ با شکل گیری نواحی و شهرک های صنعتی در مجاور محورهای ارتباطی پیرامون شهر تهران (شهرک های صنعتی نصیرآباد و پرنده در محور ارتباطی تهران - ساوه، شهرک های صنعتی

علی آباد ، خوارزمی و عباس آباد در امتداد محور ارتباطی تهران - گرمسار ، شهرک های صنعتی چرم شهر و سالاریه و شهرک صنعتی قرچک در محور ارتباطی تهران - ورامین و ناحیه صنعتی هشتگرد و نظرآباد در امتداد محور ارتباطی تهران - کرج) و احداث شهرهای جدید (هشتگرد ، پردیس ، اندیشه و پرند به ترتیب در امتداد محورهای ارتباطی تهران با قزوین، دماوند، اشتهارد و ساوه) تشدید جمعیت پذیری کانون های روستایی عمدتا در مجاورت محورهای ارتباطی و تبدیل آنها به شهر ناشی از پیوستگی فضایی کانون های روستایی را بدنبال داشت به گونه ای که تعداد کانون های شهری منطقه از ۱۴ شهر در سال ۱۳۶۵ به ۳۰ شهر در سال ۱۳۷۵ و ۵۱ شهر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافت (شکل ۵ و ۶).



شکل (۵) الگوی مکانی-فضایی کانون های شهری پیرامون کلان شهر تهران سال ۱۳۶۵

منبع: مطلبی، ۱۳۹۳: ۱۵۷.



شکل (۶) الگوی مکانی - جمعیتی کانون های شهری، شهرک های جدید و شهرک های صنعتی در امتداد محورهای

ارتباطی کلان شهر تهران سال ۱۳۸۵

منبع: مطلبی، ۱۳۹۳: ۱۵۷.

شناخت و پایش تحولات فضایی منطقه کلان شهری تهران بر اساس ارزیابی تصاویر ماهواره ای لندست در دوره های ۱۳۶۷، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۸ نیز حاکی از کاهش نسبی گسترش فضایی در درون فضای شهری تهران همگام با افزایش آن در پیرامون شهری است. شکل ۷ الگوی مکانی - فضایی گسترش سکونتگاه های شهری و روستایی منطقه کلان شهری تهران تا شعاع ۱۰ کیلومتری حریم شهر تهران در سال های ۱۳۶۷، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۸ را نشان می دهد. توسعه و تحول فضاهای کالبدی جدید شهر تهران در سال ۱۳۶۷ مساحتی بالغ بر ۳۴۲۹۰ هکتار را بخود اختصاص می دهد و گونه شناسی گسترش و توسعه کالبدی شهری نشان می دهد که بیشترین تحولات در مناطق مرکزی بصورت متراکم و در نواحی شمالی شهر بصورت گسسته قابل تشخیص است. نتایج پایش حاکی از این است که تا این زمان قلمرو فضایی شهر تهران بطور نسبی تثبیت می یابد و عمده تحولات فیزیکی و بارگذاری سکونت و فعالیت محدود به فضاهای خالی داخل محدوده شهر بویژه در قسمت های شمال و شمال غرب و شمال شرق است. البته گسترش و توسعه فیزیکی شهر تهران در سال های بعد نیز کاهش یافته به طوری که سهم این شهر از افزایش گسترش فضایی منطقه کلان شهری تا سال ۱۳۷۷ به ۵۱/۶ درصد و با شدت بیشتری تا سال ۱۳۸۸ به ۱۲/۶ درصد کاهش یافته است. در این دوره نتایج پایش نشان می دهد که سهم محدوده قانونی شهر تهران از کل فضاهای ساخته شده در مجموعه کلان شهری تهران از ۶۷/۳ درصد به ۵۵/۶

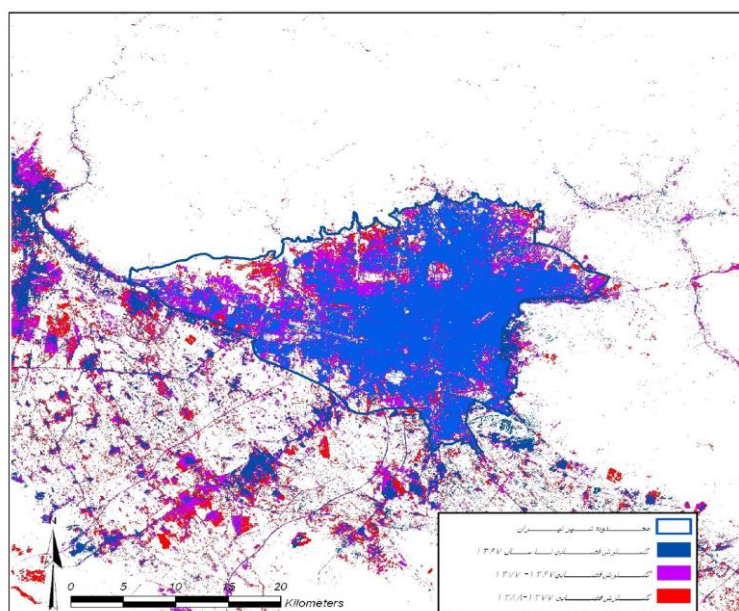
درصد کاهش یافته است. البته از سوی دیگر بر شدت گسترش فضایی و شکل‌گیری سکونتگاه‌های پیرامونی جدید افزوده شده است. این کانون‌ها که در سال ۱۳۶۷ مساحتی بالغ بر ۱۶۶۷۷ هکتار از فضاهای ساخته شده را در بر داشته اند با تشدید توسعه فضایی تا سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۸۸ بترتیب ۴۸,۴ و ۸۷,۴ درصد از افزایش توسعه فضایی مجموعه کلان شهری را به خود اختصاص داده و مساحت آنها از ۳۲,۷ درصد به ۴۴,۴ درصد افزایش یافته است.

جدول (۵) میزان تحولات گسترش فیزیکی شهر تهران و نظام سکونتگاهی در پیرامون آن در دوره‌های ۱۳۶۷، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۸

مساحت فضاهای ساخته شده (هکتار)						سال
میزان افزایش (درصد)	پیرامون کلان شهر	میزان افزایش (درصد)	شهر تهران	میزان افزایش (درصد)	منطقه کلان شهری*	
-	۱۶۶۷۷	-	۳۴۲۹۰	-	۵۰۹۶۹	۱۳۶۷
۳۹	۲۳۱۸۰	۲۰,۳	۴۱۲۳۴	۲۶,۴	۶۴۴۱۴	۱۳۷۷
۴۷,۷	۳۴۲۳۰	۳,۸	۴۲۸۲۱	۱۹,۶	۷۷۰۵۱	۱۳۸۸

ماخذ: تصاویر طبقه بندی شده ماهواره ای لندست سال‌های ۱۹۷۷، ۱۹۸۸ و ۲۰۰۹

*منطقه کلان شهری در محدوده فضایی شهر تهران تا شعاع ۱۰ کیلومتری حریم شهر تهران است.



شکل (۷) الگوی مکانی-فضایی گسترش سکونتگاههای پیرامون شهر تهران سال‌های ۱۳۶۷، ۱۳۷۷، ۱۳۸۸

منبع: مطلبی، ۱۳۹۳: ۱۵۷.

بنابراین فرایند از اواسط دهه ۱۳۶۰ به دلیل تاکیدات برنامه های عمرانی بعد از انقلاب بر تمرکززدایی از تهران و جلوگیری از رشد جمعیت این شهر (زبردست، ۱۳۸۶: ۳۳ و رهنمایی، ۱۳۷۶: ۲۰) و انجام اقداماتی مانند عدم صدور دفترچه بسیج اقتصادی و گرانی زمین و مسکن در تهران (زیاری، ۱۳۸۲: ۱۵۸) و تشدید محدودیت های ناشی از اجرای طرح جامع و همچنین محدودیت های جغرافیایی و طبیعی شهر تهران (رهنمایی، ۱۳۷۵: ۱۰) همگام با تداوم روند مهاجرت به این منطقه، باعث کاهش توسعه فضایی شهر تهران و از سوی دیگر تشدید توسعه فضایی در کانون های پیرامونی به شکل افزایش گستره فضایی و تعداد سکونتگاه های خودروی گردیده است (شفیعی ثابت، ۱۳۸۵؛ سلیمانی، ۱۳۹۲). در واقع انجام اقدامات سطحی و نه بنیادی جهت تمرکززدایی از کلان شهر تهران تنها باعث کاهش سهم جمعیتی شهر تهران از ۷۴٫۶ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۵۸٫۷ درصد در سال ۱۳۸۵ گردید اما از سوی دیگر باعث شد، سهم جمعیتی سکونتگاه های پیرامون آن در همین دوره از ۲۵٫۴ درصد به ۴۱٫۳ درصد افزایش یابد و بعبارتی افزایش جمعیت مجموعه کلان شهری به سوی کانون های پیرامونی سرازیر و گسترش شدید فضایی آنها را بدنبال داشته باشد. در این دوره میزان مطلق افزایش جمعیت کانون های پیرامونی برای اولین بار از شهر تهران پیشی می گیرد و در دهه ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ به رقم ۱٫۵ میلیون نفر در مقابل ۷۱۶ هزار نفر می رسد (حاجی پور، ۱۳۸۷: ۳۸). بنابراین باید گفت عامل اصلی ناپایداری نظام سکونتگاهی در پیرامون کلان شهر ناشی از مجموعه عواملی است که تهران را بعنوان نخست شهر ایران در آورده و برآیند آن بصورت مهاجرت های سریع به این کلان شهر و بروز پیامدهای بسیاری در فضاهای پیرامونی شده است (مطلبی: ۱۳۹۳، ۱۶۷).

در این راستا اهلرس نیز تهران را بعنوان یک مورد منحصر به فرد در رشد و توسعه شهری می داند که از اواسط دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد جایگاه ویژه ای یافته و بعنوان کانون اصلی صنایع، کانون اداری و سیاسی، شرکتهای بزرگ و مراکز اصلی داد و ستد مورد توجه خاص بوده است و با این تمرکز کوشیده است تا سیطره بی چون و چرای خود را هر چه بیشتر گسترش داده و فضای پیرامونی خود را در سطح ناحیه ای و ملی بشدت تحت تأثیر خود قرار دهد (سعیدی، ۱۳۹۰: ۷۸). به نظر میرسد نیز پدیده دوگانگی اقتصادی ناشی از رشد نامتوازن در کشورهای عمده نفتی چون ایران موجب پیدایش مراکز رشد محدودی در اطراف مرکزیت سیاسی و جذب نیروی کار و سرمایه پیرامون می گردد. درآمدهای نفتی موجب انباشت سرمایه در شهر و تاسیس صنایع مدرنی می گردد که از یکسو با پرداخت دستمزد بیشتر باعث جذب بخشی از نیروی مازاد روستایی شده و از سوی دیگر بدلیل سرمایه بر بودن و اشتغالزایی پایین سایر مهاجرین را به سمت بخش خدمات و یا به خیل بیکاران آشکار و پنهان شهری هدایت کرده و

بروز پدیده‌های نابهنجار اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مثل حاشیه‌نشینی و توسعه حومه‌های فقیر بویژه در پیرامون شهرهای بزرگ و کلان شهرها را رقم می‌زند (اسدی، ۱۳۸۱: ۶۴).

البته در بازاندیشی به رویکردهای نظری پیشین قابل توجه است که برخی رویکردهای موجود، سکونتگاه‌های پیرامونی و حاشیه‌ای را مصادف با فقر و نابرابری و آسیب‌های فراوان اجتماعی و فردی تلقی کرده و نقش برنامه ریزی و مدیریت شهری را در برخورد با این کانون‌ها به حد یک جراحی عمومی برای جدا کردن آنها از پیکره شهر تقلیل می‌دهد و سیاست‌های پاکسازی و تخریب مجموعه‌های زاغه‌نشین و حاشیه‌نشین‌ها را توصیه می‌نماید (Mellor, 1977, 19). اما از آنجا که ویژگی‌های این سکونتگاه‌ها در کشور بدلیل تفاوت‌های فرهنگی و اقتصادی کشور ناشی از درآمدهای نفتی با بسیاری از کشورها جهان سوم متفاوت بوده و در واقع شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها پاسخ کم‌درآمدها به مساله مسکن و سکونت در مناطق کلان شهری بویژه تهران بشمار می‌رود. از سوی دیگر رویکردهای حاکم بر نظام برنامه ریزی کشور مبتنی بر شهرگرایی، بخشی‌نگری، حاکمیت سیاست تمرکزگرایی و با بی‌اعتنایی برنامه ریزی رسمی به آنها، این گونه از سکونتگاه‌ها به نحوی خودجوش در دامنه توانها، خواستها، ترجیحات و اولویت‌بندی‌هایشان پاسخی مقدر را سازمان داده و شکل فضایی و کالبدی متناسب خود را نتیجه داده‌اند (رفیعی، ۱۳۷۴: ۶۷ و ۱۵۶: Perlman, 1989; Vahdatzad 2012: 53)، و از طرفی کارکردهای مثبت و نقش قابل‌تاملی در اسکان گروه‌های کم‌درآمد و مشارکت فضایی با مادرشهر تهران داشته‌اند (خراط زبردست، ۱۳۷۹: ۸۷).

بنابراین با توجه به پارادایم فضایی و رویکرد پویا ساختاری_ کارکردی در پیوند نظام سکونتگاه‌های روستایی_ شهری در ابتدا، نگرش اصلاح و ساماندهی نظام کالبدی_ فضایی سکونتگاه‌های شهری و سپس حل نسبی مسکن از طریق بهسازی و سکونت کم‌درآمدها در قالب طرح‌های توانمندسازی کیفیت اسکان در سکونتگاه‌های روستایی توصیه می‌شود. اصلاح نظام کالبدی سکونتگاه‌های شهری و روستایی، باعث اصلاح نظام عملکردی، خوداتکایی و افزایش پیوند نظام سکونتگاهی فضاهای شهری در مجموعه کلان شهر تهران و تبدیل مناسبات یکسویه آنها با مرکز به روابط دوسویه و کاهش نیازمندیهای بخش زیادی از مردم در داخل ناحیه و درنهایت شکل‌گیری منطقه کلان شهری چند هسته‌ای به جای یک کلان شهر تک هسته‌ای با بخش پیرامونی را بازسازی می‌نماید (Tacoli, 1998: 85, Taleshi, 2014: 91). در واقع به جای اینکه رابطه دو به دو بین هر یک از کانون‌ها و تهران برقرار باشد شبکه محلی و دارای ارتباطاتی با درجات متفاوت در مجموعه و نیز در تعامل با خارج از منطقه شکل می‌گیرد و جریان‌های مختلف مردم، کالا، سرمایه و غیره در میان سکونتگاه‌ها برقرار می‌گردد (داگلاس، ۱۳۸۸: ۸۶). با اینحال باید

توجه داشت غفلت از بنیادهای اقتصادی و اجتماعی دخیل در شکل گیری و توسعه این سکونتگاهها تکثیر و تجمع این سکونتگاهها در نقاط خاصی از کشور و ناپایداری فضایی کشور را در بر خواهد داشت.

۵) نتیجه گیری

سیاست‌های مدیریت فضایی شهر تهران در چند دهه اخیر با تمرکز سیاسی اداری، اقتصادی و اجتماعی در کلان شهر تهران، تمرکز شدید فضایی (قطبی شدن فضا) را بدنبال داشته است. شناخت الگوی فضایی این فرایند حاکی از آن است که گسترش فضایی شهر تهران تا اواسط دهه ۱۳۴۰ عمدتاً بصورت پیوسته پیرامون هسته اولیه شهر صورت گرفته اما با تشدید روند تمرکزگرایی از اواسط دهه ۱۳۴۰ به بعد، علاوه بر تشدید گسترش فضایی شهر تهران، در سایه تأثیرات ناشی از محدودیت‌های جغرافیایی، حقوقی و قانونی گسترش شهر تهران، بخش از توسعه فضایی تهران بصورت گسسته با شکل گیری و ظهور کانون‌های سکونتگاهی غیررسمی تجلی یافته است. چشم انداز جغرافیایی نظام سکونتگاهی در مجموعه شهری تهران تحت تأثیر چنین فرایندی تغییرات عمیقی به خود دیده و شبکه‌ی ناکارآمد از سکونتگاههای و کانون‌های شبه شهری با ماهیت و عملکرد فعالیت‌های اقتصاد روستایی را تجربه می‌نماید. تحولات کالبدی در این سکونتگاهها با منظر و سیمای روستایی و ابعاد فضایی - عملکردی آنها نیز فرصت کافی برای فرآیند شهرنشینی را فراچنگ نیاورده و فقط بنا بر مقررات قانونی تبدیل شدن به شهر و یا کانون‌های شبه شهری شده‌اند. این قبیل سکونتگاههای نه شهری و روستایی موجبات بروز مسائل و معضلات کالبدی - فضایی و اجتماعی و اقتصادی را بوجود آورده‌اند و در واقع این قبیل سکونتگاهها ضمن درهم شکستن ضوابط تکامل شهری و گذرانیدن مراحل طبیعی آن به آنومالی - های شهری تبدیل شده‌اند که نه شهر به شمار می‌آیند و نه خصوصیات اصیل روستایی دارند (رهنمایی، ۱۳۶۹: ۴ و رهنمایی، ۱۳۷۷: ۱۰).

با این رویکرد نظری، در یک نگاه کلان به سازمان فضایی مجموعه کلان شهری تهران و اثرگذاری سیاست تمرکزگرایی موجبات فعال‌سازی نیروهای توانمند اثرگذار در ابعاد اجتماعی و اقتصادی نظام سکونتگاهی پیرامون کلان شهر تهران را باعث شده که در پی آن عملکرد شهرتهران توانایی مناسب برای تثبیت جمعیت را نداشته، و پراکنش مداوم جمعیت ضعیف مهاجر به پیرامون باعث شکل‌گیری و گسترش سکونتگاههای خودروی را فراهم آورده است. بنابراین با توجه به فرایند شهرنشینی و الگوی توسعه اقتصادی - اجتماعی و در نتیجه الگوی توسعه شهری، مهمترین راه تعدیل ازهم گسیختگی در سازمان فضایی مجموعه کلان شهری تهران و کاهش مسایل کالبدی و اجتماعی و اقتصادی در پیرامون کلان شهر تهران اجرایی سیاست‌های تمرکززدایی از سرمایه و فعالیتها از شهر تهران و توزیع آن بر اساس قابلیت‌ها و استعدادهای مکانی - فضایی

نظام سکونتگاهی در مجموعه کلان شهری تهران است از سوی دیگر نظام مدیریت سرزمینی با قبول این سکونتگاههای پیرامونی به عنوان یک واقعیت فضایی و طرح ریزی مقررات آمایشی نوین درصدد واگذاری اختیارات تصمیم گیری به نفع مدیریت محلی باشد تا از این طریق مدیریت حکمروایی محلی و افزایش مشارکت طلبی در منظومه های پیرامون کلان شهری افزایش یافته و از این طریق مناسبات و پیوند نظام سکونتگاهی در این ناحیه کلان شهری تهران بستر سازی شود.

۶ منابع

- افراخته، حسن و محمد حجبی پور، (۱۳۹۴)، اقتصاد سیاسی فضا و تعادل منطقه ای، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۴، صص ۱۰۰-۸۷.
- افروغ، عماد، (۱۳۷۷)، فضا و نابرابری اجتماعی، ارائه الگویی برای جدایی گزینی و پیامدهای آن، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس
- اهلرس، اکارت، (۱۳۸۰)، ایران، شهر، روستا، عشایر، ترجمه عباس سعیدی، تهران، نشر منشی
- پاپلی یزدی، محمد حسین، (۱۳۸۲)، نظریه های شهر و پیرامون، انتشارات سمت
- پیران، پرویز (۱۳۶۹)، توسعه برونزا و شهر، مورد ایران، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۳۱، صص ۴۶-۴۳
- پیران، پرویز، (۱۳۶۶)، آلونک نشینی در تهران، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۱، صص ۵۵-۵۱
- حاجی پور، خلیل، (۱۳۸۷)، بررسی علل و عوامل تأثیرگذار در فرایند شکل گیری و تکوین مناطق کلان شهری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۴، صص ۴۸-۳۷
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت
- حبیبی، محسن، اهری، زهرا، (۱۳۷۱) طرح پژوهشی دگرگونی روستاهای مجاور شهرهای بزرگ و نقش آنها در نظام اسکان کشور، مطالعه موردی اسلامشهر، موسسه مطالعات محیط زیست دانشگاه تهران
- حسامیان، پرویز، محمدرضا حائری و گیتی اعتماد، (۱۳۸۸)، شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه
- خاتم، اعظم، (۱۳۷۴)، برنامه ریزی مسکن و قشربندی اجتماعی در منطقه تهران، مجموعه مقالات سمینار توسعه
- خلیلی عراقی، منصور، (۱۳۶۷)، شناخت عوامل مؤثر در گسترش بی رویه شهر تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- داگلاس، مایک، (۱۳۸۸)، استراتژی ایجاد شبکه منطقه ای به منظور تقویت پیوندهای میان شهر و روستا، ترجمه سوسن چاره جو، مجله علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صص ۹۵-۸۶
- رفیعی، مینو و کمال اطهاری، (۱۳۷۴)، حاشیه نشینی در ایران، علل و راه حلها، تبیین نظری و تجربی اسکان، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، وزارت مسکن و شهرسازی
- رهنمایی، محمد تقی، (۱۳۷۷)، محدودیت های فضایی شهر تهران، مجله پژوهش های جغرافیایی، شماره ۳۴، صص ۱۹-۷
- رهنمایی، محمد تقی، (۱۳۶۹)، توسعه تهران و دگرگونی در ساختارهای نواحی و روستایی اطراف، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، صص ۵۳-۲۴

- رهنمایی، محمدتقی، (۱۳۷۲)، دولت و شهرنشینی، نقدی بر نظریه عناصر شهری قدیم و سرمایه داری بهره بری هانس بوبک، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال نهم، شماره ۳۵، صص ۲۶-۱۷
- زبردست، اسفندیار (۱۳۷۹)، گزارش نهایی طرح پژوهشی بررسی گسترش سکونتگاههای خودروی اطراف تهران، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
- زبردست، اسفندیار (۱۳۸۶)، بررسی تحولات نخست شهری در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۹، صص ۲۹-۳۸
- زبردست، اسفندیار (۱۳۸۶)، بررسی تحولات نخست شهری در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۹، دانشگاه تهران، صص ۳۸-۲۹
- زنجانی، حبیب الله (۱۳۶۸)، جمعیت تهران و آینده آن، مجله محیط شناسی، شماره ۱۵، صص ۴۰-۲۳
- زیاری، کرامت اله (۱۳۸۲)، تحولات اجتماعی - فرهنگی ناشی از انقلاب صنعتی در توسعه فضایی تهران، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱، صص ۱۶۴-۱۵۱
- سجادی، ژیلا و کتابون علیزاده، (۱۳۸۰)، بررسی روابط فضایی مادرشهر، مجله علوم زمین، شماره ۴ و ۵، دانشگاه شهید بهشتی، صص ۴۵-۳۹
- سعیدی، عباس (۱۳۹۰)، روابط و پیوندهای روستایی- شهری در ایران، انتشارات مهر مینو
- سعیدی، عباس (۱۳۹۱)، پویای ساختاری - کارکردی - بدیل در برنامه ریزی فضایی، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۸-۱.
- سعیدی، عباس (۱۳۹۲)، پیوستگی توسعه روستایی- شهری در قالب منظومه های روستایی، فصلنامه برنامه ریزی توسعه کالبدی، سال دوم، شماره ۴، صص ۲۱-۱۱
- سلیمانی، محمد، حسن افراخته و احمد سعید نیا (۱۳۹۲)، تحلیل پیامدهای کالبدی- فضایی ادغام هسته های روستایی در منطقه یک شهر تهران، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۳، صص ۱۴۹-۱۱۵
- سیفی قمی تفرشی، مرتضی (۱۳۶۹)، تهران در آیین زمان، انتشارات اقبال
- شفیعی ثابت، ناصر (۱۳۸۵)، تحولات کالبدی فضایی روستاهای پیرامون کلانشهر تهران با تاکید بر تغییرات کاربری اراضی کشاورزی، رساله دکتری دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- شیخی، محمد (۱۳۸۷)، تبیین فرایند شکل گیری و دگرگونی سکونتگاههای خودروی پیرامون کلانشهر تهران مطالعه موردی اسلامشهر، نسیم شهر، گلستان، رساله دکتری شهرسازی دانشگاه تهران.
- صرافی، مظفر (۱۳۷۷)، مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه ای، سازمان برنامه و بودجه
- صرافی، مظفر (۱۳۸۴)، مرکز پیرامون و روابط شهر و روستا، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۷، صص ۱۱۲-۱۰۰
- عدل شهریار و برنارد هورکاد (۱۳۷۵)، تحول و گسترش تهران در زمان رضاشاه، تهران پایتخت دو بیست ساله (مجموعه مقالات) ترجمه ابوالحسن سروقدمقدم، سید احمد سیدی و فاطمه وثوقی، سازمان مشاورفنی و مهندسی شهر تهران، انجمن ایران شناسی فرانسه
- کریمان، حسین (۱۳۶۵)، تهران در گذشته و حال، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۷)، تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران
- مرکز آمار ایران، نشریه های سرشماری های عمومی نفوس و مسکن سال های ۱۳۳۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۵
- مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران (۱۳۷۸)، طرح مجموعه شهری تهران جلد دوم، وزارت مسکن و شهرسازی.

- مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران (۱۳۸۲)، **گزیده مطالعات جمعیتی مجموعه شهری تهران**، وزارت مسکن و شهرسازی.
- مسکن در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان ملی زمین و مسکن، صص ۱۴۵-۱۳۲
- مشهدیزاده دهاقانی، ناصر، (۱۳۸۵)، **تحلیلی از ویژگی‌های برنامه ریزی شهری در ایران**، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران
- مطلبی، حسن، (۱۳۹۳)، **پایش تحولات فضایی کاربری اراضی اسلامشهر در پیرامون کلان شهر تهران**، رساله دکتری، مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور
- مهدیزاده، جواد (۱۳۸۱)، **دوره نوسازی و پیدایش مادر شهر تهران**، مجله جستارهای شهرسازی، شماره سوم، صص ۴۱-۵۲
- نظریان، اصغر (۱۳۶۹)، **گسترش فضایی شهر تهران و پیدایش شهرکهای اقماری**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۰، صص ۹۷-۱۳۹
- نوریان، فرشاد و پارسا ارباب (۱۳۹۶) **واکاوی چشم انداز شهرهای جهانی در کشورهای در حال توسعه**، فصلنامه مطالعات شهری، صص ۴۳-۵۸
- Chen, A. (2006), **Urbanization in China and the Case of Fujian Province**, Modern China Volume 32 Number 1.
- Chen, J. (2007), **Rapid urbanization in China: A real challenge to soil protection and food security**, Catena 69, 1-15.
- Cohen, B. (2006), **Urbanization in developing countries: Current trends, future projections, and key challenges for sustainability**, Technology in Society 28 , 63-8۰ .
- Esbah, H. (2007), **Land Use Trends During Rapid Urbanization of the City of Aydin, Turkey**, Environ Manage 39: 443-459.
- Hardoy, J, and Satterthwaite David (1995), **Squatter citizen Earth scan pub L. t. d. London.**
- Isidoro, R. (2007), **Urbanization process and the changing agricultural landscape pattern in the urban fringe of Metro Manila**, Philippines, Environment and Urbanization 19: 191..
- Mellor, J. R (1977), **Urban sociology in urbanized society**. London .
- Perlman J. E. (1989), **Six misconception about squatter settlement** ; Development 4, 40-4۵.
- Simon, d; McGregor, D; and Kwasi Nsiah-Gyabaah (2004), **The changing urban-rural Ghana**, Environment and Urbanization Vol 16, N 2.98-۸۰.
- **Southwestern Tehran Metropolis**, Journal of Middle East Applied Science and Technology, Issue 21(2), January 2014, pp. 91-9۸.
- Tacoli, C (1998), **Rural-urban interactions: a guide to the literature**, Environment and Urbanization, Vol 10, No. 1.68-81
- Taleshi, M et al (2014), **An Analysis of Land Use Instability in Urban Settlements in**
- United Nations (2012), **World Urbanization Prospects (the 2011 revision).Population Division**, Department of Economic and Social Affairs, United Nations, New York .
- Vahdat Zad, V (2012), **Spatial Discrimination in Tehran,s Modern Urban Planning 1906-۱۹۷۹**, فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، شماره ۱۲(۵) ۴۹-۶۲.